



آثار ذکر حق / ذکر یونس(ع) که انسان را از اندوه نجات می‌دهد

آیت الله جوادی آملی نجات از خطر گناه و بلایا را از جمله آثار ذکر برشمرده و با اشاره به جریان حضرت یونس(ع) بر عدم اختصاص ذکر یونس به آن حضرت تأکید کرد و گفت: این را قرآن می‌فرماید که اگر انسان غمگینی به ذکر یونس سرگرم باشد، قبل از اینکه از ما چیزی بخواهد ما غمش را برطرف می‌کنیم و آنها هم که اهل راه هستند این ذکر یونس را مجرب می‌دانند.

خبرگزاری مهر-آیت الله جوادی آملی نجات از خطر گناه و بلایا را از جمله آثار ذکر برشمرده و با اشاره به جریان حضرت یونس(ع) بر عدم اختصاص ذکر یونس به آن حضرت تأکید کرد و گفت: این را قرآن می‌فرماید که اگر انسان غمگینی به ذکر یونس سرگرم باشد، قبل از اینکه از ما چیزی بخواهد ما غمش را برطرف می‌کنیم و آنها هم که اهل راه هستند این ذکر یونس را مجرب می‌دانند.

آیت الله عبدالله جوادی آملی در تفسیر آیه 152 سوره بقره (فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ) به تبیین آثار ذکر پرداخته و می‌گوید: شواهدی را قرآن کریم مطرح می‌کند که در آن شواهد روشن می‌کند که اگر کسی به یاد خدا بود، خدا هم به یاد او است و معنای اینکه خدا به یاد کسی باشد آن است که او را از خطر می‌رهاند؛ یا خطر معصیت و یا خطرهای دیگر که کمتر از خطر معصیت نیستند.

وی گناه را مهم‌ترین خطر اعلام کرده و یادآور می‌شود: در جریان یوسف(ع) در سوره مبارکه یوسف آیه 24 این چنین فرمود: وَلَقَدْ هَمَمْتُ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ یعنی آن زن در برخورد با یوسف(ع) قصد کرد، ولی یوسف(ع) قصد و خیال نکرد؛ چون فعل خارج که محقق نشد از هیچ طرف، قصد و خطور قلبی برای آن زن حاصل شد، ولی برای وجود مبارک یوسف(سلام الله علیه) حاصل نشد؛ برای اینکه فرمود: لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ؛ اگر برهان و شهود حق را نمی‌دید، قصد می‌کرد و چون برهان حق را دید، قلبش خطور نکرد و قصد هم نکرد، پس وجود مبارک یوسف(سلام الله علیه) همان‌طوری که در مقام فعل معصوم بود، در مقام خطور نیت هم معصوم بود. شاهد بحث آن است که فرمود: چون برهان رب را دید، از خطر قصد گناه نجات پیدا کرد.

این مفسر برجسته قرآن کریم با بیان اینکه یاد خدا در دل بالاترین مصداق ذکر است؛ تأکید می‌کند: نام خدا بر لب و یاد خدا در دل از مصادیق ذکراند، منتها شهود قلبی از کامل‌ترین مصادیق ذکر به شمار می‌رود؛ همان مشاهده حضور حق، یاد حق است. پاداش آن یاد حق این است که سوء و فحشا از او زدوده شد. یاد حق باعث می‌شود که خدا به یاد انسان خواهد بود. خدا اگر به یاد انسان شد، معصیت به سراغ انسان نخواهد آمد، لذا خدای سبحان فرمود: ما سوء و فحشا و گناه را از او باز داشتیم و نگذاشتیم به سراغ او برود، معصیت که دشمن انسان است به سراغ کسی که متذکر حق باشد نمی‌رود.

ذکر تسبیح، عامل نجات یونس(ع)

وی نجات از خطرات و بلایا را از دیگر آثار یاد حق برشمرده و می‌گوید: در سوره مبارکه صافات اثر دیگری که برای یاد حق ذکر می‌کند این است که انسان را از خطر می‌رهاند، آیه 143 و 144 فرمود: قُلُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَئِذَا فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ اگر صاحب حوت (این ذالنون(ع)) اگر یونس(ع) جزء مسبحین نبود، در بطن ماهی الی یوم القیامه می‌ماند. این خطر را خدا از او دور داشت، برای اینکه او اهل تسبیح بود. چون ذکر خواه به صورت تسبیح و تحمید باشد، خواه به صورت تهلیل و تکبیر باشد شامل می‌شود، فرمود: چون او اهل تسبیح بود از این خطر نجات پیدا کرد، وقتی هم که خدای سبحان ذکر یونس(ع) را نقل می‌کند، می‌بینیم در حدّ یک تسبیح است، دیگر مسئلت در ذکر او نیست، عرض نکرد #171؛ خدایا مرا نجات بده! عرض کرد: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، این ذکر او را از خطر نجات داد.

آیت الله جوادی آملی در ادامه تصریح می‌کند: ... یونس که فلتقمه الحوت و هو ملیم؛ در خطر مرگ قرار گرفت، او محتاج به نجات بود، اما جز تسبیح چیزی نداشت، عرض کرد: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ همین، به نقص خود اعتراف کرد و خدا را از نقص منزّه کرد: آن تسبیح برای آن است که بگوید: عبد ناقص است و مولا منزّه از نقص است: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ من ناقصم و تو منزّه از نقصی، همین. درباره یونس(ع) هم فرمود به اینکه او عبد صالح ما است، این ظلمی که دارد یعنی

قصور، وگرنه او معصوم است و منزّه از نقص است.

وی یادآور می‌شود: خدای سبحان می‌فرماید به اینکه نعمت ولایت ما نصیب یونس شد و اگر نعمت ولایت ما نصیب یونس نمی‌شد او گرفتار عذاب بود: لَوْ لَا أَنَّ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ ، لَلَيْتَ فِي بَطْنِهِ ، خدای سبحان او را مشمول نعمت خاص می‌داند در بعضی از آیات، در همان آیه‌ای که به پیغمبر می‌فرماید: وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ در آنجا، برای اینکه مبادا کسی توهّم کند، که یونس(ع) که صاحب حوت است خلافتی انجام داد، فوراً فرمود: لَوْ لَا أَنَّ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ یعنی اگر او مشمول نعمت ولایت نبود، ممکن بود مورد خشم ما قرار بگیرد، ولی او از اولیای ما است خدای سبحان او را با مدح و منقبت یاد می‌کند، بنابراین نقضی برای وجود مبارک یونس(ع) نیست به شهادت آن آیه‌ای که فرمود: لَوْ لَا أَنَّ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ ، آن وقت «#مذموم« بود یعنی چون مشمول نعمت ولایت ما است مذموم نیست.

این مدرس عالی حوزه علمیه بر عدم اختصاص ذکر یونس به حضرت یونس(ع) تأکید کرده و می‌گوید: وَذَا الثَّوْنِ إِذْ دَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ تَقْدَرَ عَلَيْهِ فُتَادِي فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، آنگاه فرمود: فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَتَجَنَّبْنَا مِنَ الْعَمِّ ، برای اینکه تثبیت کند این مسئله کلی است و اختصاصی به انبیا ندارد، منتها مرحله بالایش برای انبیا است وگرنه مراحل وسطی و نازله‌اش نصیب دیگران هم می‌شود، در ذیل آیه اصل کلی را ارائه داد و فرمود: وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ یعنی اگر انسان غمگینی به ذکر یونس سرگرم باشد، قبل از اینکه از ما چیزی بخواهد ما غمش را برطرف می‌کنیم. آنها هم که اهل راه هستند این ذکر یونس را مجرب می‌دانند، می‌گویند: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ، حالا یا 400 بار است در روز یا کمتر، بیشتر، یا در حال سجده است یا غیر سجده اگر در حال سجده باشد اثرش بیشتر است، هرچه بیشتر بهتر ولی این اصل را قرآن کریم به ما ارائه داد و فرمود: این مخصوص یونس نیست، مخصوص دریا هم نیست، مخصوص کام ماهی هم نیست، هر خطری باشد، ما او را از غم نجات می‌دهیم: وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ یعنی اگر مؤمنی با ذکر یونس با خدا در ارتباط بود، از اندوه نجات پیدا می‌کند.

آیت الله جوادی آملی در ادامه تفسیر آیه 152 بقره، ذکر خدا را از ادب عبودیت خوانده و تأکید می‌کند: ادب عبد آن است که در برابر خدا ذاکر باشد، اینکه می‌بینید ما مرتب از خدای سبحان چیزی می‌طلبیم برای آن است که لذت یاد حق در ما ظهور نکرده است و اگر لذت یاد حق در جان ما ظهور کند، ما همین که سرگرم مناجات با خدا شدیم، آن نیاز و حاجت ما از یاد ما می‌رود، ولی از یاد خدا نمی‌رود؛ چون وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ؛ حاجات ما را می‌داند و برآورده هم می‌کند. در روایات دارد که اگر انسانی به یاد حق سرگرم بود و حاجتش یادش رفت، خدا حاجت او را برآورده می‌کند و آنها که اهل مناجات با خداوند، همین که وارد ذکر و ثنا شدند، لذت مناجات آن قدر در جانشان شیرین است که حاجتشان از یادشان می‌رود.